

سبک درقصاید ملا مظہری

مولانا مظہری از مشاہیر شعرای قرن دہم ہندوستان بود۔ در جوانی کہ سرگرم عیش و عشرت بود، با ایران آمد ①۔ صاحب طبعانی آنجا بہ صحبتش میل تمام پیدا کردہ، ہر روز یکی بخانہ خودش مہمانی میکرد۔ و با ملا محتشم کاشی و مولانا وحشی بافقی صحبتھا گرم داشت۔ و در آنجا (ایران) قصاید و غزلیات بسیار سرودہ، پس این قدر شہرت یافت کہ شاعران و قدردان ایران با وی میل و صحبت زیادی داشتند۔ و مشاہرہ ہم میکردند و بدین سبب در تمام اصناف شعر طبیعت خودی آزمود۔

مظہری بیشتر اوقات زندگانیش در سرزمین ایران گذرانید۔ و منسلک از دربار صفویہ بود۔ چنانکہ پروفیسر براؤن مظہری را با دربار شاہ عباس کبیر شمرده است۔ (۲)
در زمانہ مظہری در شعر فارسی و خصوصاً در صنف غزل اسلوب نو بہ وجود آمد کہ بعداً در ادبیات فارسی بہ نام ”مکتب وقوع“ مشہور و معروف شد۔ در این مکتب شعر شاعران حالات و عشق و عاشقی بیان میکرد۔ غزلیات مظہری نیز این رنگ و رونق دارند یعنی این طور میگوئیم کہ مظہری در این مکتب ”مکتب وقوع“ غزلیات خود سرودہ است۔

چنانچه صاحب خلاصه الشعارد در باره سبک وی این طور ذکر کرده است -

”مظهری“ طرز غزل و زبان وقوع را نیکو پیروی نموده - (۳)

چنانکه شاعران ایران مانند: ولی دشت بیاضی، میرزا قلی میلی، صالحی و ضمیری و دیگران مظهری را بی حد متأثر کرده بودند که وی تمام غزلیات در همین طرز سروده بود -
ابوالفضل علّامی در آئین اکبری در باره طرز مظهری این طور می گفت - ”مظهری کشمیری از سر آغاز آگئی، زبان شعر بر گشاد و به عراق (ایران) افتاد و از پیوند نیکان (ایرانیان) شایستگی یافت“ - (۴)

مولانا شبلی نعمانی مکتب وقوع را به نام واقعه گوئی و معامله بندی یاد میگرد (۵) -
برخی از اشعار سعدی، حافظ و امیر خسرو دهلوی در مکتب وقوع یافته می شوند - اما در ایران این نوعی سبک در دوره صفویه به عهد عروج رسید - و شاعران که از ایران به خط کشمیر آمدند - از وساطت آنها این سبک در سراسر این خطه گسترش یافت و این طور چند شاعران کشمیر این سبک را پذیرفتند و غزلیات خود در مکتب وقوع سرودند - مظهری یکی از آن است که در روش این سبک غزلیات خود سرود و درین سبک جدت زیادی پیدا کرد -
چنانکه در غزلیات وی نکتهای جدید و دقیق دیده می شود - مثل این شعر -
از دوست دمی دور شدم، سوختم از رشک

پنداشتم از صبر هنوزم قدری هست (۶)

غزلیات مکتب وقوع خصائص بسیار داشته اند و یکی از بررگترین این است که شاعر واردات و حادثات که به سبب جو و جفای معشوق بروی وارد شده است، به این نمط بیان می کند که معلوم میشود که معشوق او حقیقی نیست زمینی است - چنانچه در باره

تو عهد استوار، ندانسته ای که چیست

بودن به یک قرار، ندانسته ای که چیست (۷)

مظهرتی در دربار اکبری، بحیثیت شاعر قصیده گو شهرت یافت - پادشاهان مغل که اکثر و بیشتر شعر شناس بودند و بدین سبب شاعران را عزت و احترام میکردند مظهرتی در دربار اکبر و جهاگیر مسلک بود - رتبه عالی داشت - شاعر خوش فکر و در صنف قصیده ماهر بود قصاید که او سروده است شیرینی دارند، مؤلف عالم آرائی عباس می نوشت -

..... و سخنان شیرینش شود در میان سخنوران جهان انداختی (۸)

“

مؤلف آثار رحیمی در باره شاعری مظهرتی رطب البیان است -

”شاعری درست سخن و فاضلی صاحب فطنت و شائسته نام و نشان است که

(اشعاری غز) در میانه مردم گذاشته و شهرت کرده است“ (۹)

مظهرتی صاحب دیوان است و دیوان او در کتب خانه ایشیا تک سوسائتی آف بنگال (کلکته) موجود است که بر پانزده قصاید مشتمل است و به علاوه آن وی در مدح پادشاه اکبر، فیضی و عبدالرحیم خانخانان قصاید هم سروده است - هنگامی که از مطالعه شعر مظهرتی برگردیم معلوم می شود که او غزلیات، رباعیات و قصاید نوشته است و مقبولیت به واسطه غزلیات او به مکتب وقوع می باشد، اما قصاید که او سروده است خیلی جاذب و جالب هستند - وی در روش شاعران بزرگان ایرانی مانند انوری، خاقانی و ظهیر فریابی قصاید خود سروده است و این شد که سبک در قصایدش سبک عراقی بشمار میرود -

شاعران ایران در تو صیغ صفات و خصایل عالیّه ممدوح، آخرین درجه ابتکار و قدرت خود را در یافتن مضامین بدیع و نکات تازه بکاری بردند، آنچه آن که ممدوح به صورت مظهر عالیترین درجات کمال صوری و معنوی جلوه می کرد که در تمام جهان از لحاظ شجاعت و سخاوت و همت و جوانمردی و بزرگواری و عزت و جلال و حلم و علم و عظمت و اقتدار بی نظیر، می نمود. شاعران مدحیه سرا، شجاعت و سخاوت ممدوح معیار مخصوصی بشیدند. مظهری شجاعت و سخاوت ممدوح در روش شاعران ایران جلوه می کرد. سبک در قصاید وی آن طور، پر شکوه، مرکب، مبالغه آمیز و تشبیهات پر است که شاعران سبک عراقی دارند. مظهری شجاعت و سخاوت ممدوح (خانخانان) در طرز شاعران سبک عراقی بیان می کرد. چنانکه می سراید.

خانخانان که دست دولت او

سایه بر آفتاب کرده سوار

میرزاخان که کلک همت او

آز را بر کرم نوشت ادرار

همت او بچو دشناسان

مهر بان خوی ترز مهر فگار

رحمت او بعفو محتاجان

آشنا روی ترز دیدن یار

تهر او خواب غم دهد بنشاط

پاس او چشم میکند هشیار (۱۰)

مظهری در روش انوری، خاقانی و ظهیر فریابی قصاید نوشته است. یعنی این طور

می گوئیم وی در طرز سبک عراقی قصاید سروده است. و مثل شاعران ایرانی درین فن کمال یافت چنانکه در اندک زمانی مشهور و معروف شد و پایه تازه گویی و نادر سخنی را بر آسمان معنی نهاد. مظهری از فصاحت و بلاغت و دیگر اصطلاحات شعر به خوبی آشنا بود و بدین سبب کلام وی خصوصیات فراوان دارد. یکی از آن ضرب المثل است، و گاهی

گاهی اواز این صنعت بکار برده است - در ذیل مثال ضرب المثل را ملاحظه خواهید

کرد

مریم آساز جبرئیل هوا مادر باغ روح پذیر رفتار
صد هزاران مسیح زاد و هنوز مهر بگریش همچنان بقرا ①

گرچه در زمان مظهری سبک هندی در شعر فارسی رائج بود اما مظهری سبک
عراقی را پرورش داد و در تقلید شاعران همین سبک (سبک عراقی) پیروی نمود - وی تمام
قصاید خود را در طرز شاعران سبک عراقی سروده است - می دونیم که سبک عراقی
خصوصیتهای بسیاری دارد و یکی از معروفترین این است که شعراء از تشبیهات و
استعارات خوب استفاده کردند - و مظهری نیز تشبیهات و استعارات بکار برد - مثل این

شعر -

تاخزان و بهار حسن و جمال خط سبز است و لاله رخسار

در این شعر مظهری خط ممدوح را سبزی گوید و رخسارش را لاله تصور می کند -

قصیده که مظهری در هرات سرود خیلی جالب و جالب است این قصیده در طرز
دروش قصیده نظیر فریابی نوشته شده است - و رنگ و رونق غزل دارد - چند شعر ذیلاً از این
قصیده بیاوریم -

اگر به کشتن من مایلی، من از رغبت

به خون خویش نویسم هزار فتوی را

رسید و مضطربم کرد و آن قدر نشست

که آشنای دل خود کنم تسلی را (۲)

شاعران قصیده سرایان درباری در سوگ امیران و پادشاهان قصاید گفته اند
که آنرا رثاء تشریفاتی و رسمی می گویند، همانند قصیده فرخی در مرگ سلطان محمود گفته است
که چند شعر زیبا نقل می شوند.

شهر غزنین نه همان است که من دیدم یار

چه فزاده ست، که امسال دگرگون شده کار

خانه هائیم، پر نوحه و پر بانگ و خروش

نوحه و بانگ و خروش، که کند روح و فکر

آه و دردا و در ریغا که چون محمود ملک

همچو هر خاری در زریزین ریزد خوار

ای امیر همه میران و شهنشاه جهان

خیز و از حجره برون آی که هفتی بسیار (۱۳)

ساختمان رثاء تشریفاتی رسمی شبیه به مدح تشریفاتی است و تصویری شود که بیشتر
به نوعی اداء وظیفه شاعرانه همانند است تا فریادی از سرسوز و صفای درون و سوختگی دل.
یعنی از شاعران قصاید خود را با احساس خاص و به ظاهر باتألمی فراوان سروده اند. زیرا
که آنها خیال کرده اند که وسیله روزگار آنها ختم شد و به همین علت در قصاید آنها رنج و غم
زیاد یافته است. مظهری نیز در مرگ پادشاه اکبر قصیده ای سروده است که در آن
جذبات و احساسات وی خوب جلوه گراست. چنانکه می سراید.

پادشاه اکبر که پنجاه و دو سال

عدل او ظلم زحل سیمائی سوخت

ناگهان باد اجل بر شمع خورد

جامه فانوس بزم آرائی سوخت (۴)

خیر از مطالعه قصاید مظهری به خوبی معلوم می شود که سبک در قصاید وی بازگشت
سبک عراقی است - وی در تقلید پیرو کاران این سبک قصاید خود سروده است - کلام وی
فصاحت و بلاغت و تشبیه و استعاره، تسلسل و شیرینی، ضرب المثل و اصطلاحات دیگری
هم دارد -

- ۱- تاریخ نظم و نثر بحوالہ تذکرۃ الشعراء کشمیر، ص ۳۳۰۔
- ۲- ای۔ جی۔ براؤن، تاریخ ادبیات ایران در عہد جدید (بہ زبان اردو)، ص ۱۷۳۔
- ۳- خلاصۃ الاشعار، بحوالہ مکتب وقوع در شعر فارسی، ص ۳۳۹۔
- ۴- آئین اکبری، بحوالہ مکتب وقوع در شعر فارسی، ص ۴۴۱۔
- ۵- شبلی نعمانی، مولانا، شعر العجم، ج ۳، ص ۱۷-۱۸۔
- ۶- معانی، احمد گلچین، مکتب وقوع در شعر فارسی، ص ۴۴۷۔
- ۷- همان، ص ۴۴۷۔
- ۸- ترکمان اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباس، انتشارات چاپخانہ گلشن، تہران، چاپ دوم، خرداد ماہ ۱۳۵۵ھ (جلد اول و نیمی از جلد دوم) ص ۱۸۷۔
- ۹- نہاوندی، عبدالباقی، مآثر رحیمی، (۲ مجلد) انتشارات ایشیا تک سوسائٹی آف بنگال، کلکتہ چاپ ۱۹۲۲م، ص ۷۲۵۔
- ۱۰- همان، ص ۷۲۸۔
- ۱۱- همان، ص ۷۲۷۔
- ۱۲- معانی، احمد گلچین، مکتب وقوع در شعر فارسی، ص ۴۴۶۔
- ۱۳- دیوان فرخی سیدستانی، بحوالہ انواع شعر فارسی، ص ۲۰۳۔
- ۱۴- چادورہ حیدر ملک، تاریخ کشمیر، نسخہ خطی، برگ ۹۴۔

